

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

نادر نظری

۲۷ دسامبر ۲۰۰۹

ماه مُحَرَّم؛

یا فصل گریه کردن شیعه ها

همانگونه که خنده یکی از احساس هائی است که انسانها برای امر مطلوب و ایده آل از خود شان بروز میدهند، گریه نقطه مقابل خنده است که انسانها برای واقعه نا مطلوب و غیر ایده آلی که از خود شان؛ نشان میدهند. خنده احساسی است که به انسانها غرور و اعتماد به نفس می بخشد و سبب می شود که در مقابل مشکلات و نا ملایمات های زندگی کمتر تسلیم شده و تحت تاثیر بروند. گریه به عکس به انسانها عجز؛ نا توانی؛ بی روحیگی و تسلیم شدن در مقابل نیروهای طبیعی و ما وراء طبیعی می بخشد.

انسانهای برتری طلب و سلطه جو، برای رام و مجاب کردن افرادی میرفته اند که روحیه درماندگی و ناتوانی داشته اند. به همین دلیل کسانی که روحیه غرور و اعتماد به نفس داشته اند؛ مورد سر زنش و مذمت قرار گرفته اند.

روحیه درماندگی و تسلیم بودن افراد در مقابل نیروهای زمینی و آسمانی، در طول تاریخ توسط اشخاص و نهاد های سلطه جو، مورد تشویق و تقدیر قرار گرفته است و به آنها وعده پاداش داده شده است.

خنده و سرور یکی از آرزو ها و ایده آل های انسانهاست و انسانها برای دست یابی به این احساس، احساس لذت و خوشی میکنند. به عکس گریه برای انسان احساس غیر مطلوب و نا خوش آیند است. انسانها هرگز در زندگی آرزوی فرارسیدن غم و مصیبت را نمیکند تا به احساس گریه کردن دست یابند.

گرچه غم و مصیبت هم بخشی از زندگی انسانها را تشکیل میدهد؛ اما فرا رسیدن غم و مصیبت بناء به مقتضیات جبری است که بر انسانها تحمیل می گردد. وقتی انسان در مقابل حوادث ناگوار و غیر مطلوب قرار می گیرد، در صدد مبارزه با این پدیده است تا احساس غم و مصیبت و اشک ریختن را از خود دور کند و به زندگی عادی باز گردد.

بناءً خوشی و سرور که با نماد خندیدن خود را تبارز میدهد، طبیعت انسان است. انسان خیلی آرزو دارد تا نظم طبیعی اش که همان خوشی و خندیدن است، همراهش باقی باشد.

انسان دوست ندارد غم و مصیبتی که او به رسیده بود، دوباره به سراغش بیاید. یا اینکه دوست ندارد به خاطر از دست رفتن عزیزش یک عمر عزا دار باشد و برای رسیدن به این فصل مصیبت بار، به استقبالش بشتابد. به عکس دوست دارد ایام مصائبی که به او تحمیل شده بود، هرچه زود تر جایش را به خوشی و سرور بدهد و خنده جای اشک ریختن را بگیرد.

درین جهانی که ما زندگی میکنیم، جمعی به عکس طبیعت انسانی شان عمل میکنند. یعنی خیلی دوست دارند ماه غم و مصیبتی فرا برسد تا اشک بریزند و ماتم کنند و اگر ممکن باشد خون گریه کنند!

هستند جمعی که درین جهان که زندگی را خوار و پست می شمارند و ترجیح میدهند بیشتر گریه کنند و خیلی هم کم بخندند. آنها طینت، فطرت و طبیعت انسانی شان را به مصاف و رویارویی می طلبند تا شخصیت انسانی شان را خوار و زبون کنند. آنها معتقدند با خوار کردن و دست رسی به مصیبت و گریه است که روحیه عجز و تسلیم پذیری در روح و روان آنها حلول می یابد.

برای همین امر خیلی از ادیان و از جمله اسلام کسانی را که روحیه تسلیم پذیری دارند مورد تمجید و تحسین قرار داده است. در اسلام این امر آنقدر با اهمیت است که حتی اسم اسلام را از «تسلیم بودن» و «تسلیم شدن» گرفته است. گریه در دین اسلام آنقدر از اهمیت اساسی بر خور دار است که بار ها در قرآن از آن تأکید به عمل آمده است.

اما گریه و خنده احساساتی است که خارج از اراده انسان قرار دارد. انسان نمیتواند هر موقعیکه دلش بخواهد خنده یا گریه کند. خنده و گریه به عنوان احساسات غریزی در مقابل یک عکس العملی است که بر انسان مستولی میگردد. انسان با گریه گردن یک طفل یا انسان دیگر که بر او غم و مصیبتی رسیده است؛ تحت تاثیر قرار می گیرد و سبب می شود که از خود واکنش نشان دهد و با فروریختن اشکی، در مصیبتش شریک شود. هم چنان با شادی و خنده شخص دیگر شاد می شود و موجب می شود که این شادی در او سرایت کند و سبب خنده اش شود.

اما انسانها در صورتی تحت تاثیر این احساسات قرار می گیرند که این عکس العمل در دنیای طبیعی او رخ بدهد؛ نه در دنیای مجازی. یعنی اگر کسی بگوید که شخصی را در فلانجا؛ قاتلی به ناحق کشته است، سبب گریه کردن شنونده نمی شود. یا مثلاً اگر کدام جوکی را از کسی شنیده باشد و خودش آن را به سبک و بیان نا رسا شرح بدهد؛ موجب خنده شنونده نمی شود. لذا برای این واقعیات غیر زنده و بر حال که سبب گریه، یا خنده شنونده شود؛ به هنر احتیاج است. این هنر است که آن واقعیات را انعکاس میدهد و سبب گریه یا خنده شنوندگان میگردد.

به این ترتیب برای بروز احساس خنده در انسانها، «هنر» طنز و جوک گویی به وجود آمده است. برای گریه کردن یا گریاندن حضار در مجلس، «هنر منبر رفتن» یا روضه خوانی به وجود آمده است.

هنر منبر رفتن و روضه خوانی تنها در میان شیعیان رسم شده و هنوز در میان باقی جوامع دینی و مذهبی راه نیافته است.

گرچه واعضان و نوحه سرایان، منبر رفتن و نوحه خوانی را هنر نمیدانند. آنها استدلال میکنند که این کرامات، فضیلت ها و بزرگی ماه محرم است که مؤمنین را به گریه و عزاداری می کشانند، ولی چه آنها بخواهند و چه نخواهند این هنر است که پیراوان این عقیده را به گریه می آورند.

از آنجائیکه تمامی انسانها استعداد هنر را ندارند؛ مردم به منبر رفتن خیلی از این واعضان گریه نمیکنند. یعنی آنها قدرت «هنر گریاندن» مردم را ندارند.

در هزارجات این امر کاملاً روشن است. روحانیونی که هنر مند نیستند و هنر گریانند مردم را ندارند، مردم اولاً آنها را درین مراسم استخدام نمیکنند و اگر با کمبود هنرمندان روضه خوان مواجه بود؛ گریه شان را میگذارد به پای منبر روضه خوانی که هنر گریانند مردم را دارد!

حال که هنر گریانند مردم تا حدودی روشن شد، ببینیم که این گریانند مردم چه سود و نفعی برای روحانیون دارد. همان قسمی که در ابتدای نوشته اشاره شد، روحانیون از طریق گریانند مردم در ذهن و روان مؤمنین نفوذ میکنند و استدلالات شان را با ایجاد عواطف در ذهن انسانها تزریق می نمایند. این واکسیوناسیون های روحی - روانی سبب می شود که داده های بیرونی و اعط به عنوان حقیقت های بلامنازع در مغز شنونده مؤمن ریشه بگیرد و به حق بودن ادعاهای منبر نشینان؛ به عنوان سنگ محک حقیقت در پاخته های مغز شنونده لنگر گزیند.

درست بر اساس این کار کرد ها و تجربه ها است که نه تنها روضه خوانی را با هنر در ذهن شنونده تزریق میکند، بلکه به شکلی به هنر موسیقی در آورده است.

از سینه زنی های سنتی و مدرن گرفته تا زنجیر زنی و کارد زنی، از نوحه خوانی گرفته تا روضه خوانی، با هنر دایر و بر پا می شود.

در واقع هنر جایگاه ویژه ای در امر تزریق پیام روحانیون در اذهان شنونده دارد. در ایران برای برپایی این مراسم از آلات رسمی موسیقی مثل جاز، دُهل، نی، تبله و غیره استفاده می شود. حتا صحنه «آتش زدن خیمه گاه» و بریدن دستان عباس با هنر تئاتر بر گزار میگردد.

نمایشنامه های مثل طفلان مسلم و باقی صحنه ها توسط هنر مندان سریال ساز و سینمایی بر پا میگردد. در عرصه تئاتر و سینما و سریالهای تلویزیونی، داستان کربلا و صحنه جنگیدن امام حسین همه ساله توسط هنر مندان سینمایی تولید و صحنه آرایی میگردد.

در افغانستان سبک های مختلفی از سینه زنی های جدید همه ساله تولید می شود و شعراء به توصیف و مداحی صحنه کربلا می پردازند. در نتیجه هنر در بر پایی مراسم محرم نقش عمده و اساسی دارد.

حال که تا حدودی روشن شد که مراسم محرم با هنر گریانند روضه خوانی، هنر سینه زنی، هنر نوحه خوانی و هنر موسیقی بر پا میگردد، این هنر چه نقش موثری در تمثیل واقعیت ها و حقیقت های موجود بازی میکند؟

گرچه پرداختن این بحث از حوصله این مقاله خارج است ولی یکی از روان شناسان امریکایی میگوید که **هنر قدرت مجاب سازی انسانها را هم در تحریف حقایق تاریخی دارد و هم در اثبات آن**. او میگوید: «فابریکه کوکاکولا وقتی تبلیغ این کالای نوشیدنی را با هنر موسیقی، با ریتم و ساز ملایم و نمایش تحریک آمیز هنری در صفحه تلویزیون اقدام کرد، تولید ماهانه اش بیست برابر شد».

هدف اصلی بر پایی این ماه که با استفاده از هنر و باقی گزینه ها روی دست گرفته می شود، برای روحانیون روضه خوان این است که محرم یک فصل کار و بار اقتصادی برای آنهاست. در میان جامعه شیعه چه در ایران و افغانستان و چه بعضی از کشورهای عرب و پاکستان، تعداد کثیری از روحانیون روضه خوان یا مستقیماً به استخدام روضه خوانی قرار می گیرند و یا به صورت غیر رسمی مسجد به مسجد روضه خوانی کرده پول جمع آوری میکنند. تعدادی از کسبه کاران وسایل تدارکات این فصل و تعدادی از فروشندگان وسایل مختلف تدویر برای این فصل به کار و بار اقتصادی مشغول می شوند.

در کویته پاکستان حتا با نگهداری اسپي به نام "ذوالجناح" و زیارت دادن آن به مردم نیز ممری برای صاحبش میرسد. بناءً تدویر و بر پایي ماه محرم به عنوان یک پروژه اقتصادی برای روحانیون دکاندار بسیار اهمیت دارد و سالانه روش های متفاوتی برای تدویر هر چه با شکوه تر این مراسم روی دست گرفته می شود. روحانیون برای پر کردن جیب های شان، دایر کردن فصل محرم را در هزاره جات کاملاً به عنوان یک سنت و عرف جبری نهادینه کرده اند. قسمیکه فرا رسیدن این فصل برای خانواده های فقیر و بی بضاعت یک فشار اقتصادی است. در هزاره جات هیچ خانواده ای نمیتواند از خیرات کردن سرباز زند. زیرا روش های متفاوت توهین و اهانت به کسانیکه توانایی خیرات کردن را نداشته باشد؛ روا داشته می شود. خانواده های بی بضاعت و فقیر به ناچار هم هزینه خیرات کردن را به صورت قرض متحمل می شوند و هم پول «سربیزی آخذ ها» را. قسمیکه ماه ها در زیر فشار این قرض می سوزند.

در پهلوی عواملی که شرح داده شد، انگیزه غذا خوردن شرکت کنندگان در همچو محافل نیز یکی از کشش های بسیار مهم و عمده می باشد. این انگیزه نیز سبب می شود تا جمع کثیری از تدویر این محافل حمایت کنند. به این ترتیب روحانیون برای حفظ و تحکیم نقش شان در جامعه، از تاکتیک های متفاوتی در امر بر پایي این نوع محافل استفاده میکنند. آنها دلیل برای بر پایي چنین محافلی را که همه ساله بر گزار میگردد، کرامات و معجزه مذهبی قلمداد می نمایند تا پروژه محرم روز به روز بسط و توسعه بیشتری پیدا نماید.